

## بازشناسی دانش عامیانه درباره شیوه‌های تولید و مصرف

محبوبه علی محمدی<sup>۱</sup>

### چکیده

دانش عامیانه منشأ تأمین نیازمندی‌های گذشته و پشتوانه نوآوری‌های امروز است. دانشی که دوری از آن سبب ایستایی و کاوش و شناخت ظرایف آن، سبب پیشرفت در زمینه فناوری و استفاده از کاربردهای گوناگون آن در زندگی امروزی است.

دانش عامیانه ایران به عنوان نتیجه اندیشه‌ورزی و تجربه‌اندوزی پیشینیان بر نظام بهینه مصرف استوار بود. کاریز، آب‌انبار، آب‌بند، استخر، دستگاه پالایش آب و سیستم آب‌رسانی از جمله ابداعات پیچیده علمی هستند که در راستای شیوه‌های تأمین، نگهداری، تصفیه، توزیع و مصرف صحیح آب طرح‌ریزی شده بودند.

امروزه جایگاه دانش عامیانه و نقش تأثیرگذار آن بویژه در تصحیح آسیب‌های ناشی از الگوهای مصرف حاکم تا حدودی مشخص شده است و ضرورت پرداختن به آن در رسانه بویژه با بررسی نمادها و نمودهای تولید و مصرف در فرهنگ عامه و نیز خاستگاه ارزشی آن‌ها احساس می‌شود.

با معرفی این شیوه‌ها در رسانه می‌توان علاوه بر افزایش خودباوری جمعی، ایده‌های نوینی را برای بهره‌برداری از این منابع در مخاطبان ایجاد کرد و حساسیت مخاطبان را برای مصرف مطلوب برانگیخت. ساخت انیمیشن‌هایی در مورد دانش عامیانه نیز می‌تواند این اهداف را در مخاطبان نسل‌های بعد دنبال کند.

**کلیدواژه‌ها:** فرهنگ عامه، رفتار تولید، رفتار مصرف، آیین‌ها، باورها

---

۱. کارشناس ارشد تحقیق در ارتباطات و پژوهشگر مرکز تحقیقات mahboobeh.alimohammadi@gmail.com

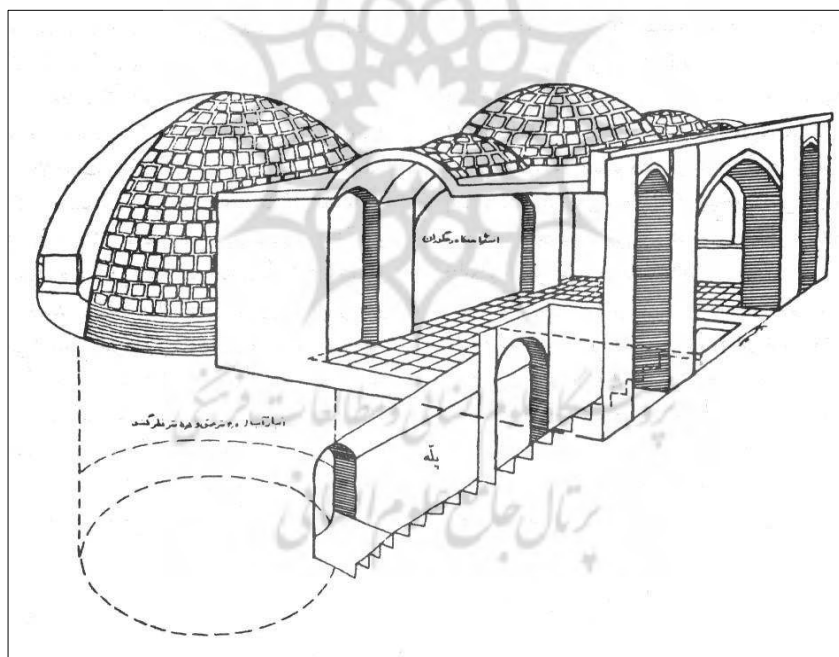
## مقدمه

فرهنگ هر جامعه در دل خود گویای حرف‌ها و روایت‌های بسیاری است. روایت‌هایی که اندیشه و سیر تفکر مردمان آن سامان را بازگو می‌کند. فرهنگ عامیانه عنصری از مجموعه فرهنگی یک جامعه و نیز به معنای دانشی برای مطالعه بخشی از مجموعه فرهنگ است. در یک نگاه مجموعه‌ای از دانش است؛ دانشی که در پی افت و خیزها، فراز و نشیب‌ها و تلاش برای زنده ماندن به دست آمده است. این دانش را «دانش عامیانه» می‌نامند، چرا که در محدوده جغرافیایی آن سرزمین و به دنبال انطباق با شرایط جغرافیایی، سیاسی و اجتماعی همان خطه شکل گرفته و بالیده است. برخی از اندیشمندان حوزه اجتماعی بر این باورند که توسعه هر کشوری در گرو بازشناسی فرهنگ آن کشور و بهره‌گیری از دانش بومی آن است. به کار بستن این دانش پا به پای نوآوری‌های هر عصر، سرچشمه حرکت در مسیر پیشرفت واقعی یک ملت است. دوری و کناره‌گیری از این دانش نیز یکی از عوامل ایستایی نسبی فرهنگ شناخته می‌شود.

دانش عامیانه بخشی از سرمایه ملی هر قوم است که باورها، ارزش‌ها، روش‌ها، ابزارها و آگاهی‌های محلی آنان را در بر می‌گیرد. این همان دانشی است که به وسیله آن در طی قرون، اقوام گوناگون قوت خود را از محیط اطراف خود جسته‌اند، پوشاکشان را تهیه کرده‌اند، خود را در سرپناهی اسکان داده‌اند، فرزندان خود را تربیت کرده‌اند، جامعه خود را سامان داده و سلامت خود و احشام خود را حفظ کرده‌اند. دانش محلی هر قوم، آنان را قادر به تأمین نیازمندی‌های خود از منابع طبیعی کرده است. بنابراین مجموعه دانش عامیانه جهان‌گنجینه ارزشمندی از روش‌ها و ابزار زمان آزموده‌ای است که در توسعه پایدار تمام جوامع به کار خواهد آمد. (چمبرز، ۱۳۷۶: ۳۲)

## بازشناسی دانش عامیانه درباره شیوه‌های تولید و مصرف ❖ ۷۱

ما نیز چنانچه خواهان رسیدن به پیشرفت همه جانبه هستیم باید با تدوین دانش عامیانه ایران که سرشار از آموزه‌های غنی است موانع را کنار زنیم و در جهت توسعه گام برداریم. بهینه کردن مصرف یکی از این گام‌هاست. از آنجا که مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی و میل به اسراف از آسیب‌های وارد بر فرهنگ امروز جامعه ماست، نگاه به پیشینه تولید و مصرف در کشورمان و بازشناسی آن و بهره‌گیری از دانش عامیانه که نتیجه قرن‌ها اندوخته تجربی پیشینیانمان است گامی برای رسیدن به نظام بهینه مصرف خواهد بود. با این رویکرد، مقاله حاضر به واکاوی روش‌های تولید و مصرف در بستر فرهنگ می‌پردازد و برخی از ویژگی‌های دانش بومی را ارائه می‌کند.



پلان یک آب انبار

## مدیریت آب در دانش بومی ایران

اخبار و اطلاعات باستان‌شناسی گواه آن است که در دوره «نوسنگی» مردمی که به مرور در کوهپایه‌های غربی و شمالی فلات مرکزی مسکن می‌گزیدند به راحتی از زمین مناسب و آب باران کافی سود می‌جستند و می‌بالیدند. اما در سوی دیگر - در فلات مرکز ایران - که رودخانه بزرگی نداشت کمبود آب و تلاش برای استفاده از آب چشمه‌ها و رودهای کوچک، دلیلی برای تجمع انسانی شد. با این حساب می‌توان دو نوع تمدن را در ایران جستجو کرد:

تمدن چشمه‌ای - رودخانه‌ای: (نیمه دوم هزاره پنجم ق.م در کرمان و در پایان هزاره پنجم و هزاره چهارم ق.م در بلوچستان) در سرزمین‌های با تمدن چشمه‌ای، مهم‌ترین سکونت‌گاه‌ها با عالی‌ترین سطح دانش و تکنولوژی ابتدای عصر کشاورزی به وجود آمدند نظیر سیلک، حصار، اسماعیل‌آباد و سایر مناطق که یاد جاوید خویش را بر سفالینه‌های منقوش بی‌نظیرشان نهاده‌اند. (فرسیو، ۱۳۸۱: ۸۲)



تمدن کاریزی: این تمدن هم چون تمدن چشمه‌ای با بهره‌برداری از آب‌های اندک و خرد بنیان گرفت، دست کمی از هیچ تمدن بزرگ کناره رودهای بزرگ نداشت و در مدت لااقل دو

هزار سالی که دوام آورد گاه حتی تا بدان پایه قدرت و عظمت یافت که به قافله‌سالار فرهنگ و تمدن جهان تبدیل شد. (همان: ۸۳)

با این حال، تمدن کاریزی پهنه وسیع‌تری از گستره تاریخی ما را دربرگرفته است. زیرا ایرانیان می‌دانستند که بیشتر نقاط کشورشان را مناطق خشک و کم آب فرا گرفته، از این رو همواره ارزش ویژه و گرانقدری برای آب قائل بودند. آنان از هنگامی که در چند هزار سال پیش وارد فلات ایران شدند، همواره در جنگ با بی‌آبی بودند و می‌دانستند که برای ساختن تمدن و مدنیت بزرگ ایرانی در درجه اول باید منابع آب کافی داشته باشند، امری که یقیناً در باروری ارزش‌های اعتقادی به آب نیز نقش اساسی داشته است. اصولاً نبود رودخانه‌های بزرگی مانند دجله، فرات و نیل که در کنار آنها تمدن‌های بزرگی شکل گرفته، در فلات ایران، موجب آن شد که مردم ایران با توجه به طبیعت سرزمین‌شان به آب اهمیتی فراوان و حتی نیایشی داده و در پی آن باشند که راه‌های مناسبی را برای دستیابی به آب و شکوفایی فرهنگ و تمدن خود برگزینند. ایرانیان ابتدا با [حفر] جوی‌ها و کانال‌ها به فکر انتقال آب از سرچشمه‌ها و رودخانه‌ها به مناطق خشک بودند ولی به زودی متوجه شدند که صحراهای خشک و دشت‌های وسیع ایران و آفتاب گرمی که بر آنها می‌تابد، موجب تبخیر شدید آب و پایین آمدن میزان بهره‌وری از آب می‌شود و به همین دلیل یکی از شگفت‌انگیزترین کارهای مهندسی آب یعنی قنات را پی‌ریزی کردند. (فرشاد، ۱۳۶۲: ۶-۵)

روش‌های تأمین، نگهداری و توزیع آب، بخصوص در مناطق کم آب ایران، حاصل به کارگیری شیوه‌ها و ابداعات پیچیده فنی و ریاضی و ارائه روش‌های مختلف اندازه‌گیری (حجمی و زمانی) بود که نمونه‌های بارز آن را در حفر قنات، نوع تقسیم آب زاینده‌رود توسط شیخ بهایی و تقسیم آب گل رودبار سمنان به پیشنهاد شیخ علاءالدوله سمنانی می‌توان مشاهده کرد؛ تقسیم‌بندی که پس از چندین قرن کماکان به قوت خود باقی است، ضمن آن که

محل تقسیم آب نیز جلوه‌ای زیبا را به نمایش می‌گذارد که به مثابه اثری ماندگار و میراثی فرهنگی قابل توجه است. در شکل‌گیری و کمال بخشیدن به معماری شهرهای ایرانی و بخصوص آنهایی که در مناطق کم آب قرار گرفته‌اند آب نقشی ارزنده ایفا کرده است. این سخن به معنای کم ارزش جلوه دادن نقش آب در معماری مناطق پرآب یا بی‌توجهی مردم آن مناطق به ارزش‌های معنوی آب در فرهنگ ایرانی نمی‌باشد. به این ترتیب می‌توان گفت ایرانیان برای مهار آب از شیوه‌های گوناگونی بهره جسته‌اند:

**کاریز:** یا قنات که توسط مقنیان ایرانی ابداع شده، هزاران سال قدمت دارد. قدمت بسیاری از قنات‌های ایران، از پنج یا شش هزار سال متجاوز است و عمری برابر با تاریخ کهن ایران دارد. با وجود این که چندین هزار سال از اختراع آن می‌گذرد، مع هذا هنوز هم این روش استفاده از آب، در بسیاری از روستاها دیده می‌شود. این تکنیک در ایران زاده شده، توسعه یافته و از این سرزمین به سرزمین‌های دیگر

راه یافته است. (ورجاوند، ۱۳۵۷: ۶-۵)

کاریز اوج ابتکار و حاصل ذهن خلاق ایرانی در مهندسی و مدیریت مصرف آب است. در گذشته، آب کیلومترها در زیر زمین بدون استفاده از هیچ امکان خاصی و تنها با ابتکارهای مهندسی از سرچشمه تا به سطح انتقال می‌یافت و هنوز هم این کار در بخش‌های بزرگی از مرکز ایران صورت می‌گیرد. از مزایای عمده کاریز حفظ آب در



جریان انتقال بخصوص در مناطق با دمای بالا است. پدران ما به این ترتیب حتی در

خشک‌ترین نقاط مرکزی ایران تمدن‌های باشکوهی را خلق کردند که از هر جهت، شاهکار محسوب می‌شوند.

**آب انبار:** آب انبار یکی از ساختمان‌هایی بود که از زمان‌های بسیار دور برای تأمین و نگهداری آب بویژه در مناطقی که به آب دائمی (چشمه و قنات) یا فصلی (باران) متکی بود ابداع شد و توسعه یافت. یکی از کهن‌ترین نمونه‌های آب انبار در ایران در کنار محوطه چغازنبیل، مربوط به هزاره ۲ ق.م و دوران شکوفایی تمدن ایلام، به دست آمده است. (فرشاد، ۱۳۶۲: ۲۱۷)

نقش حیاتی آب‌انبارها در بافت شهرها، بویژه در شهرهای حاشیه کویر و منطقه‌های کم‌آب ایران و تکامل طرح و شیوه ساختمان و بُعد هنری و تزئیناتی آنها (بویژه در سردرها و کتیبه‌های الحاقی به آنها) در دوران اسلامی چنان چشمگیر است که می‌توان برخی از نمونه‌های این پدیده معماری را از لحاظ ارزش‌های هنری، فرهنگی، فنی و تاریخی همسنگ برخی مساجد بزرگ، کوشک‌ها، مقابر و دیگر آثار هنر معماری ایران اسلامی معرفی کرد. (ورجواند، ۱۳۵۷: ۲-۳)

یکی از کهن‌ترین نمونه‌های آب‌انبارهای طاقدار «حوض عضدی» است که به فرمان



عضدالدوله دیلمی در اصطخر فارس ساخته شد. (فرشاد، ۱۳۶۲: ۱۵۷)

**آب‌بندها و استخرها:** آب‌بندها و استخرهای تقسیم آب (و حتی پل خواجه) که با محاسبات ریاضی پیچیده تقسیم‌کننده و تأمین‌کننده آب مورد نیاز روستایی‌ها و

کشاورزان بودند، جلوه‌ای از آگاهی و پیشرفت دانش ریاضی زمان خود به حساب می‌آمدند.

این استخرها غالباً در مسیر چشمه‌ها و نهرهایی که آبدهی اندکی داشتند، ساخته می‌شدند تا با جمع‌آوری آب، در طول شبانروز یک یا دو بار تخلیه شده و از آب جمع شده در پشت دیواره استخر برای آبیاری مزارع و باغ‌ها یا پر کردن آب انبارهای شهر استفاده شود. (کورس، ۱۳۵۰: ۷۵)

**ساخت دستگاه پالایش آب:** دستگاه پالایش آب چغازنبیل (زنگه ویل - شهر زنگه)، نخستین و قدیمی‌ترین دستگاه پالایش آب در جهان است که برابر با قانون ظروف مرتبط آب گل‌آلود رودخانه کرخه را به آبی سالم و گوارا تبدیل می‌کرد. (رهبرگنج، ۱۳۸۵: ۲۹)

**سیستم آبرسانی:** این سیستم که نمونه‌ای از آن در کاوش‌های باستان‌شناسی در لبه غربی معبر اصلی تپه تاریخی هگمتانه کشف شده یک سیستم آبرسانی بود که از آجر و سطحی فلزی (پوشش روی آن، ملاط گلی با کیفیت عالی بود) ساخته شده بود و به این شکل مسیری برای عبور آب شرب مصرفی فراهم می‌کرد.

### کشاورزی در دانش عامیانه ایران

**قدمت و اهمیت کشاورزی در ایران:** ایران یکی از نخستین کشورهای جهان بود که از دوران گردآوری خوراک، به دوران تولید خوراک (کشاورزی و دامداری) پای نهاد. در فرهنگ سنتی ما به اندازه قدمت کشاورزی و دامداری همراه با کوچ نشینی، تجربیات فشرده و انباشته شده در زمینه استفاده بهینه از منابع طبیعی تجدید شونده یافت می‌شود. پیشرفت جامعه ایرانی در طی هزاران سال در زمینه کشاورزی - از آغاز عصر کشاورزی در دوران نوسنگی تاکنون - متکی به دانش و تجربه‌هایی است که از طریق کاربست روش‌های آزمون و خطا به دست آمده و قوام و دوام یافته است. استخراج آب از دل زمین به وسیله ابداع کاریز، کاربست روش‌های کشت و کار محصولات مختلف کشاورزی، روش‌های آبیاری، حفظ خاک، مبارزه با آفات و



بیماری‌های گیاهی (با تنوع و اثر بخشی بسیار بالا) و برخی جشن‌های کشاورزی از این جمله است. (عمادی و عباسی، ۱۳۷۸: ۴۲)

گفته می‌شود که ایران یکی از اولین کشورهای دنیاست که در آن کشاورزی و تمدن شروع شده و انسان اولیه برای نخستین بار در فلات ایران به کشت و زرع و پرورش دام دست زده است. همچنین گفته می‌شود که مهاجرت آریایی‌ها بر خلاف مهاجرت مشهور چوپانی و در جستجوی چراگاه‌های جدید نبوده بلکه مهاجرتی دهقانی و در جستجوی زمین بهتر برای کشاورزی بوده است. به نظر می‌رسد منظومه درخت آسوریک<sup>۱</sup> که از زمان ساسانیان باقی مانده و در آن از رجزخوانی یک بز در برابر یک نخل سخن می‌رود نمایشگر اختلاف بین کشاورزان و دامداران اولیه است. این که منظومه به نفع بز که قادر به حرکت (کوچ) است پایان می‌پذیرد حاکی از قدمت ریشه‌های این منظومه است.

حفاری‌هایی که در اطراف کاشان به عمل آمده نشان می‌دهد که در شش هزار سال پیش ایرانیان متمدن بوده و سیستم زراعی پیشرفته‌ای داشته‌اند. در حفاری‌های نقاط مختلف ایران مشخص گردیده که در حدود ۳۳۰۰ سال پیش از میلاد مسیح درخت را در ری، کاشان و دامغان به طرز مشابهی نقاشی می‌کرده‌اند و بنابراین در آن زمان از لحاظ باغبانی میان نقاط مختلف ایران رابطه برقرار بوده است. همچنین دین زرتشت نیز به کشاورزی اهمیت فراوان می‌داد. چنان که در اوستا آمده است سومین جایی که زمین شادمان‌ترین است آنجاست که یکی از خداپرستان بیشترین غله را کشت کند. (همان: نقل به مضمون)

**جشن‌های کشاورزی نماد بهره‌وری: بن مایه برخی از آیین‌ها و جشن‌های ایرانیان مانند**

---

۱. این منظومه در کتاب زیر آمده است: دستور جاماسب‌جی (گردآورنده) (۱۳۴۸) درخت آسوری، برگرفته از متون پهلوی، ترجمه ماهیار نوابی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

سده و دیگر جشن‌های آتش، پالایش و زدودن عرصه‌های کشاورزی (کشتزار و باغ) از بقایای شاخ و برگ درختان هرس شده، میوه‌ها و محصولات آلوده به آفت در زمان برگزاری یک مراسم آیینی و محلی به طور هم‌زمان بود. این جشن برای ایرانیان بسیار دل‌انگیز بود. جشن سده در شباهنگام دهم بهمن ماه برپا می‌شد و در بسیاری از نواحی دو تا چهار روز طول می‌کشید.

در زمان برپایی این جشن بقایای میوه‌های آلوده و به زمین ریخته و شاخ و برگ هرس شده درختان که قبلاً توسط کشاورزان و باغداران جمع‌آوری شده بود و به صورت کپه کپه در کوچه‌های ده جلو خانه‌ها یا بر بام خانه‌ها گذاشته شده بود، هم‌زمان در غروب آفتاب در نواحی مختلف آتش زده می‌شد و این عمل با شادی و شادمانی طی مراسمی آیینی (جشن سده) انجام می‌گرفت. (عبدالله گروسی، ۱۳۸۱: ۵۹)

به طور کلی آیین‌های آتش با باروری زمین و تجدید حیات طبیعت در ارتباط بود. برپایی آتش در این روز نیز نوعی گرم کردن جهان و زدودن سرما از محیط و پژمردگی و بدی از تن بوده است.

آن چه در این مراسم آیینی می‌تواند از نظر بوم‌شناسان و کارشناسان کشاورزی مورد توجه باشد ارتباط این آیین با پالایش سرزمین و عرصه است و انگیزه مشارکت همگانی مردم (پیر و جوان، زن و مرد) بر اجرای این آیین و رضامندی، تبرک و بهره‌مندی درونی از شرکت در آن است که در نهایت به حفظ سرزمین و محیط زیست می‌انجامد. (همان: ۶۱)

**روش‌های حفظ زمین، آب و افزایش محصول:** به این روش‌ها با ذکر نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

تقویت خاک: در گذشته کشاورزان به طور تجربی به این نتیجه رسیده بودند که برخی محصولات نظیر گندم و چغندر بیشترین مواد معدنی و غذایی را از زمین دریافت کرده، در نتیجه موجب از بین رفتن قدرت رویش مجدد سایر گیاهان مشابه در زمین می‌شوند لذا حتماً پس از یک بار کشت محصولات تهی‌کننده خاک از مواد مغذی، محصول جایگزین می‌کاشتند.

آنها به تجربه شبدر و نخود را به عنوان بهترین محصولات جایگزین شناخته و می‌کاشتند که امروز بر اساس تحقیقات علمی ثابت شده است که این دو گیاه با ریشه‌های افشان و غده‌ای با جذب ازت از هوا و تشکیل گره‌هایی در ریشه‌های خود موجب تقویت مجدد خاک می‌شوند. این تناوب زراعی به صورت یک دوره کشت شش ماهه یا یک ساله پس از برداشت محصول صورت می‌گرفت. (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۵: ۵۴ و ۵۷)

آبیاری شالیزارهای برنج: از گذشته برنج‌کاری در استان گیلان با توجه به قابلیت‌های موجود در این استان (زمین حاصلخیز، منابع آب، دمای مناسب، بارندگی کافی و سایر شرایط) به عنوان مهم‌ترین فعالیت معیشتی مطرح بوده است. شیوه‌های سنتی کشاورزی در کشت برنج کاربرد زیادی داشت که علاوه بر حفظ منابع و توان زیست محیطی پاسخگوی نیاز آن دوران بوده است. (معصومی اشکوری، ۱۳۶۳: ۲۱)



قبل از ساخته شدن سدهای مختلف در گیلان که در کشاورزی استان اثرگذاری بسیاری داشتند، آبیاری به وسیله مکانیزم سنتی (سل) ذخیره آب انجام می‌شد. سل‌ها، استخرهای بزرگی به مساحت ۴۰ تا ۶۰ هکتار در میان زمین‌های کشاورزی بودند که با آب باران جمع

شده در درون آنها زمین‌ها آبیاری می‌شدند. اما پس از ساخت سدها و واگذاری آب آن به کشاورزان این استخرها از بین رفته و کم کم به زمین‌های کشاورزی افزوده شدند. مبارزه با آفات: کشاورزان معتقدند در گذشته میزان آفت‌ها هم از نظر کیفیت و هم میزان ضرری که وارد می‌کردند بسیار کمتر از امروز بود. یکی از اقداماتی که برای مبارزه با آفات در شالیزارها انجام می‌شد روشن کردن فانوس در درون یک ظرف بزرگ آب در شب بود که به این ترتیب حشرات به دلیل برخورد با فانوس‌ها درون آب می‌افتادند و از بین می‌رفتند.

### نگاه فرامادی دانش عامیانه به طبیعت و محصول

اقوام ایرانی با سبک‌های معیشتی مختلف که با سنت‌ها و حوزه جغرافیایی زندگی آنان رابطه دارد، از دانش فرهنگی ژرف و عمیقی در برخورد و همزیستی با طبیعت برخوردارند. این دانش شیوه‌های همزیستی با طبیعت را به خوبی نشان می‌دهد. می‌توان در این باره مثال‌های فراوانی را مطرح ساخت. «چوخته» یا کفش‌های مخصوصی که مردم گیلان برای راه رفتن بر روی برف در مواقعی که برف سنگین می‌آمد درست می‌کردند امروزه از یاد رفته است.

ایرانی تا پیش از عصر مدرن نه تنها خود را با موجودات دیگر هم‌خانه می‌یافت که حتی طبیعت را چون خویشاوند خویش مورد احترام قرار می‌داد و با آن مأنوس بود. چنان که کودک را در فصل تابستان اندکی بر زمین می‌خوابانند تا جان (قدرت) گیرد یا هم زمان با به دنیا آمدن کودک، درخت شمشادی را که نماد سرسبزی و جاودانگی بود بر زمین می‌کاشتند. مثال‌هایی از این نوع در فرهنگ ایرانی بسیار است.

از سوی دیگر مرور بر بخشی از افسانه‌ها و روایت‌های محلی نشان می‌دهد که عناصر طبیعت چون کوه، تپه، درخت و سایر پدیده‌ها تبدیل به نمادی از مرد، زن یا کودک در

باورهای قومی، محلی و مردمی می‌شدند.

در ساختار بسیاری از این باورها، عناصر مهم طبیعت چون درختان حضوری پرشمار و با معنا دارند. وجوه استعاری تاریخ محلی با عناصری از این نوع، حامل باورها و چگونگی فهم عامیانه مردم است. مثلاً در باور مردم، درختان چون سربازانی قامت کشیده و استوار، محافظ بنای امامزاده حنفیه<sup>۱</sup> از بادهای تندی بودند که به طور موسمی به طرف بنای این امامزاده می‌وزید. وجه استعاری درخت در بن مایه «درخت زندگی» صورت و معنایی آشکار در آثار باستانی بر جامانده از گذشته دارد. (اسدیان، ۱۳۵۸: ۱۱۹)

**محصول، موهبت الهی در دانش عامیانه:** نان بین اغلب اقوام از تقدس خاصی برخوردار بود. ایرانیان همواره گندم را دانه‌ای بهشتی و برکت سفره می‌دانستند. در ایران، «نان» تقدس



دارد و یک «اسطوره» و نماد است. در نزد ایرانیان مسلمان، همه چیز نعمت خداست، پس چرا از این میان، «نان» مهم و مقدس شده است؟ زیرا نان، ذیل اسطوره کلان‌تری به نام «رزق و روزی» قرار می‌گیرد. «رزق» مفهومی مقدس است. تقدس آن از آنجاست که از جانب خداوند مقرر شده است: «خدا روزی

رسان است» و «روزی هر کس دست خداست». بنابراین همه باید به روزی و رزقی که خدا

۱. امامزاده محمد حنیفه، مطابق شجره‌نامه موجود در بقعه و اعتقاد اهالی پسر حضرت علی(ع) است که همراه پسرش سیدهاشم و سیدابوالقاسم حمزه یکی از پسران امام موسی کاظم(ع) در شهر لوشان استان گیلان دفن می‌باشد.

می‌رساند قانع و شاکر باشند. «نان» همان رزقی است (یا نماد همان رزق) که خدا مقرر فرموده و به همین دلیل مقدس است. نان مهم‌ترین مصداق عینی و بنابراین نماد اسطوره‌ای «نعمت خدا» است. قبل از اسطوره نان، «گندم» وجود داشت که آن هم نماد نعمت خدا و اسطوره دیگری بود و نان بخشی از معنای خود را از آن گرفته است. در عین حال، نان یک واژه انتزاعی هم می‌باشد که همه نیازها را در برمی‌گیرد.

«نمک» نیز اسطوره دیگری است که با اسطوره گندم جمع شده و اسطوره نان را پدید آورده است. نمک در نظر ایرانیان «پاک‌کننده» و مانع فساد و خرابی دانسته می‌شود. اصطلاح یا پدیده «نمک‌گیر شدن» در ایران برخاسته از تقدس نمک است، کسی که نمک کس دیگر را بخورد، هیچ‌گاه نمی‌تواند به او خیانت کند و به اصطلاح، «نمک‌گیر» می‌شود. همچنین مفهوم هم سفره شدن و خویشاوند شدن هم از آن مستفاد می‌شود.

ماده‌ای مانند «نان» در چارچوبی که این اسطوره‌ها می‌سازند، معنا می‌یابد و در درون کلیت فرهنگ ایرانی جای داده می‌شود. تقدسی که نان در این چارچوب به‌دست می‌آورد، آداب و احترام خاصی را هنگام رفتار با نان به همراه دارد.

### معماری بومی ایران، نماد هنر و صرفه‌جویی

نیاکان ما در مناطق کویری و نیمه کویری با بکارگیری انواع سقف‌های گنبدی از کمترین چوب در ساخت بناها استفاده می‌کردند. در روستاهای پر آب و کوهستانی، سقف خانه‌ها با تنه درختان صنوبر پوشیده می‌شد که در کنار جوی‌ها و نهرها کاشته و پرورده می‌شدند.

(فرهادی، ۱۳۸۱: ۴۱)

در زمینه میزان تأثیرپذیری خانه‌های سنتی از شرایط جوی، مطالعات متعددی در سطح کشور انجام گرفته است. با توجه به این که وسعت زیادی از کشور در شرایط گرم و خشک

آب و هوایی قرار دارد در این مناطق الگوهای معماری سنتی دست نخورده، تقریباً به وفور یافت می‌شود. از قراین به دست آمده چنین بر می‌آید که آب و هوا تأثیر بسیار شگرفی بر ساخت و کالبد شهرهایی نظیر کرمان بویژه مجموعه‌های مسکونی سنتی به جا گذاشته است. معماران قدیمی به علت فقدان امکانات تکنولوژیک امروزی، همواره درصدد سازگاری با شرایط اقلیمی بوده‌اند. مثلاً در معماری شهر کرمان چند اصل در نظر گرفته شده بود:

۱. مسئله بازتاب گرمای خورشید از خاک خشک و سوزان کویر مردم را واداشته بود تا شهر خود را در کمربندی سبز و خنک از زمین‌های زراعی و باغ‌ها قرار دهند.

۲. وجود بادهای ناموافق خشک و سوزان از نواحی جنوبی و بادهای سرد و سوزآور از نواحی غربی آنان را بر آن داشته بود تا شهر خود را در جهت باد مطبوع شمال و شمال غربی قرار دهند.

۳. جلوگیری از نفوذ گرما و سرمای شدید تابستان و زمستان و بادهای ناموافق به داخل بافت مسکونی باعث شده بود تا خانه‌ها را به هم فشرده و متراکم بسازند.

۴. وجود معابر غیرمستقیم، پریچ و خم و سرپوشیده بودن بخش‌هایی از آن، از یک طرف مانع نفوذ بادهای مزاحم بود و از طرف دیگر به دلیل عمق زیاد، بیشترین سایه را تأمین می‌کرد.

۵. حیاط‌ها از همه طرف با فضاهای سرپوشیده محصور می‌شدند و همچون گودالی هوای خنک شب را در خود ته نشین می‌کردند و در روز گرم مورد استفاده قرار می‌دادند. عمیق بودن حیاط‌ها به سایه دار بودن آن‌ها کمک می‌کرد.

۶. امکان خنک کردن را به کمک برودت تبخیری آب تأمین می‌کردند. این آگاهی به صورت استفاده از باغچه و حوض آب و فواره در خانه‌ها نمایان شده بود.

۷. هوای مطبوع حیاط و محیط خارج را به داخل اتاق‌ها هدایت می‌کردند. بادهای شمالی و شمال غربی کرمان از جمله بادهای مطبوعی هستند که در تابستان می‌وزند. معماران بومی کرمان با ابداع زیباترین بادگیرها این هوای مطبوع را به داخل اتاق‌ها کشیده و بخش

تابستان نشین خانه را دلنشین می‌کردند. از آنجا که این بادها در بسیاری از موارد با گرمای نسبی نیز همراه بود، با ساختن حوض‌هایی در قسمت تابستان نشین، بادها را از روی این آب‌ها عبور می‌دادند و بدین صورت موجب تعدیل درجه حرارت آن می‌شدند.

۸. استفاده بهینه از گرمای آفتاب یا به عبارتی حفظ فضای داخلی از گرمای ناخواسته خورشید در تابستان و بهره‌مند بودن آن از گرمای مطبوع زمستان روش دیگر بود. در این شهر اتاق‌های رو به جنوب شرقی و جنوب بهترین موقعیت را از نظر جذب گرمای خورشید در زمستان دارند.

۹. استفاده از دیوارهای خشتی ضخیم و سقف‌های به ناچار منحنی خشتی باعث حفظ خنکی در تابستان و حفظ گرما در زمستان می‌شد. (توسلی، ۱۳۵۳: ۸۹-۹۵)



### نتیجه‌گیری

دانش بومی به عنوان دستورالعملی پایدار از دل تاریخ و گداخته شده در طی اعصار همراه با هزاران سال تجربه و آزمایش، سرانجام به بینش و درکی عمیق و دقیق از محیط، ساز و کارهای آن و تبدلات اکولوژیک دست یافته است. این دانش سینه به سینه به نسل‌های بعدی



منتقل شده و نسل بعدی نیز آن را کامل‌تر کرده و به فرزندان خود انتقال داده است. دقیقاً مانند نسخه‌ای شفابخش که طلسم پایداری را در دل خود پنهان کرده است. دانش بومی به سرعت در حال نابودی است. با مرگ هر پیری گنجینه عظیمی از دانش شفاهی نیز همراه با آن روی در نقاب خاک می‌کشد. این منابع غنی دانش با سرعتی غیر قابل تصور در حال از بین رفتن هستند. به گونه‌ای که عده‌ای معتقدند اگر در حال حاضر بتوان فرهنگ شفاهی ایران را در هفتصد جلد جمع‌آوری کرد در پنجاه سال آینده حتی هفت جلد هم نمی‌توان گرد آورد. هر چند دانش بومی و دانش رسمی از بعد ماهیت و کاربرد با هم تفاوت‌هایی دارند، اما این تفاوت به معنای تقابل و ستیز آنها با یکدیگر نیست. تجربه نشان داده است که دانش بومی و دانش رسمی نه تنها با یکدیگر تناقض ندارند بلکه در بسیاری زمینه‌ها به منظور رفع نیازهای توسعه‌ای، هر کدام مکمل مناسبی برای دیگری هستند. به اعتقاد بیشتر صاحب‌نظران توسعه، شرایط حاضر ایجاب می‌کند که در راستای توسعه پایدار، دانش بومی و دانش جدید با یکدیگر تلفیق شوند. امروزه تلاش‌هایی به منظور بهره‌گیری از دانش بومی صورت گرفته است اما بخش عمده‌ای از این تلاش‌ها صرف استخراج و علمی کردن آن شده است. بنابراین، باید به جای برداشت موزه‌ای از دانش بومی زمینه تلفیق عملی و علمی آن با دانش رسمی فراهم شود.

ویژگی‌های فرهنگ عامه کشورمان در حوزه دانش بومی عبارت است از:

۱. فرهنگ عامیانه با زندگی تولیدی جامعه ارتباط دارد. به همین منظور باید به جستجوی این ارتباط در تمام بخش‌ها و شاخه‌های آن پرداخت. ادبیات شفاهی به‌عنوان بخشی از فولکلور، محقق را با مسائل معیشتی و اقتصادی مردم رودررو می‌کند. در جوامعی که معیشت آن‌ها مبتنی بر کشاورزی است، ترانه‌ها و قصه‌هایشان حکایت از این شیوه زندگی دارد. در جوامعی که دامداری مبنای زندگی را تشکیل می‌دهد آثار دامداری در ادبیات شفاهی‌شان منعکس است.

۲. همچنان که جنبه‌های زندگی تولیدی جامعه و پدیده‌های مادی برمفاهیم معنوی،

اعتقادات و نحوه زیست مردم اثر مستقیم دارد همانگونه هم اعتقادات و اندیشه‌ها و اصول مذهبی، جهت و هدف زندگی مردم یک جامعه را مشخص و معین می‌کند. مردم، تحت نفوذ مسائل اعتقادی، مذهبی، سیاسی، باورها و اندیشه‌های جامعه خود هستند.

۳. در فولکلور فایده عملی مورد توجه است. همچنان‌که بارها دیده شده وقتی ذهن ساده‌اندیش روستایی در مقابل اثر هنری پیچیده قرار می‌گیرد نخستین سؤالش این است که فایده‌اش چیست؟ و به چه دردی می‌خورد؟ اصولاً عامه، مفیدبودن را نشانه ارزش و اهمیت یک اثر می‌دانند. به واقعیات توجه دارند و به این جهت گرایش به واقعیت، از ویژگی‌های فولکلور به‌شمار می‌آید.

۴. فرهنگ عامه از منابع با ارزش و دست‌نخورده‌ای است که در درون آن روح زندگی، فلسفه و حیات جاری و ساری است. احساس و بینش مردم را با یاری گرفتن از نمادها، استعاره‌ها، رمزها و علائم در قالب الفاظ و در کسوت اعمال و حرکات جلوه‌گر می‌سازد و بدین وسیله زندگی پر از رمز و راز، تمثیل، اشاره و کنایه مردم را بازگو می‌کند.

۵. در فولکلور امید و خوش‌بینی موج می‌زند. اندیشه عامه در همه جا به چاره‌جویی و اسطوره‌سازی می‌پردازد.

۶. در فرهنگ عامه با نوعی جامعه‌شناسی تعاون روبرو می‌شویم. مشارکت، مساعدت و همکاری در همه امور زندگی در نان‌پختن، خانه‌ساختن، عروسی، شیردوشی، ختنه‌سوران، دروکردن و حتی هنگام فوت و عزا دیده می‌شود. این عمل حاکی از یک همبستگی و هماهنگی کامل و نحوه جهان‌بینی مردم عادی است.

۷. در باورها، اندیشه‌ها، مراسم، رفتار و کردار عامه، انجام امور خیر، احترام به مردم، توجه به نظافت و پاکیزگی، قدر دانستن نعمت‌های خداوند، حرمت نان و نمک، ارج نهادن به هر نوع کمک و همکاری و خلاصه توجه به همه نکات خوب و مثبت زندگی، مورد تشویق قرار گرفته است.

## منابع

### الف) کتاب

۱. اسدیان، محمد و دیگران (۱۳۵۸) *باورها و دانسته‌ها در لرستان و ایلام*، تهران: انتشارات فرهنگ و آموزش عالی، مرکز مردم‌شناسی ایران.
۲. توسلی، محمود (۱۳۵۳) *ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران*، تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
۳. چمبرز، رابرت (۱۳۷۶) *اولویت‌بخشی به فقرا*، ترجمه مصطفی ازکیا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴. عمادی، محمدحسین و عباسی، اسفندیار (۱۳۷۸) *حکمت دیرین در عصر نوین: کاربرد دانش بومی در توسعه پایدار*، تهران: انتشارات جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
۵. فرشاد، مهدی (۱۳۶۲) *تاریخ مهندسی در ایران*، تهران: نشر بلخ.
۶. کورس، غلامرضا، امام شوشتری، محمدعلی و انتظامی، علی‌اکبر (۱۳۵۰) *آب و فن آبیاری در ایران باستان*، تهران: وزارت آب و برق.
۷. ویلبر، دونالد (۱۳۴۶) *معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان*، ترجمه عبدالله فریار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

### ب) مقاله

۱. رهبر گنجه، تورج (۱۳۸۵) «تحقیق و تاریخ؛ گذری به تاریخچه باستان‌شناسی زیر آب»، *کیهان فرهنگی*، ش ۲۴۳.
۲. زاهدی، شمس‌السادات و نجفی، غلامعلی (۱۳۸۵) «مدیریت توسعه کشاورزی پایدار»، *فصلنامه مطالعات مدیریت*، ش ۵۰.

۳. عبدالله گروسی، عباس (۱۳۸۱) «دانش و فن‌آوری بومی، روش‌های سنتی کشت و کار و آبیاری»، نمایه پژوهش، ش ۱۳ و ۱۴.

۴. فرسیو، سهراب (۱۳۸۱) «فلات مرکزی ایران و تمدن کاریزی»، نمایه پژوهش، ش ۱۳ و ۱۴.

۵. فرهادی، مرتضی (۱۳۸۱) «بحران محیط زیست در ایران و لزوم بازنگری به دانش‌های مردمی و راهکارهای فرهنگ ملی»، نمایه پژوهش، ش ۱۳ و ۱۴.

۶. معصومی اشکوری، سیدحسین (۱۳۶۳) «گیلان در آئینه طرح پایه آمایش سرزمین»، نشریه داخلی، واحد برنامه‌ریزی منطقه‌ای سازمان برنامه و بودجه استان گیلان، ش ۱۷.

۷. ورجاوند، پرویز (۱۳۵۷) «نقش و اهمیت برکه‌ها و آب‌انبارها در بافت شهرهای ایران»، هنر و مردم، ش ۱۶۸.

#### ج) اینترنت

۱. کلاهی، رضا (۱۳۸۵) «اسطوره هدایت‌کننده رفتارهای مصرفی» (بخش سوم) در:

<http://www.forogh.net>

پایگاه اطلاع‌رسانی فروغ

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی